

فلسفه هگل



■ نویسنده:
حمید عنایت
■ ۸۲۶ صفحه
■ انتشارات علمی و فرهنگی

یکی از نکات برجسته کتاب این است که به شیوه‌ای آکادمیک و نظام‌مند به نگارش درآمده است. شاید نتوانسته باشد رویکردی انتقادی نسبت به دستگاه فکری ارائه دهد و در خواننده پرورش دهد اما تا حدودی از پس ارائه کلیات برآمده است. بنابراین برای تازه کارها و دانشجویانی که باید مطالب را برای به خاطر سپاری بیشتر به صورت نظام‌مند مطالعه کنند، می‌تواند بسیار مفید باشد.

مارکوزه



■ نویسنده:
حمید عنایت
■ ۱۶۲ صفحه
■ انتشارات خوارزمی

یکی از وظایف اساسی فلسفه آن است که از فلسفه‌های دیگر انتقاد کند و این کار را نه تنها به دلیل آنکه به سود حقیقت است بر عهده گیرد- هر چند این مهم‌ترین هدفش باشد- بلکه به این دلیل نیز انجام دهد که فیلسوفان چه بخواهند و چه نخواهند، اندیشه‌های فلسفی در زندگی اجتماعی و اخلاقی و سیاسی نفوذ و تاثیر دارد. یکی از این فیلسوفان هربرت مارکوزه است.

خدایگان بنده



■ نویسنده:
حمید عنایت
■ ۷۷ صفحه
■ انتشارات خوارزمی

رابطه میان خدایگان و بنده، نخستین مرحله سیر اندیشه بشر و مقدمه رسیدن انسان به خودآگاهی و عقل است. به طور خلاصه باید گفت، اگر چه در این گفتار، وجود ارباب را برای سیر تحول اندیشه و زندگی اجتماعی بشر لازم می‌شمارد، اما معتقد است آنکه سرانجام از زندگی خویش راضی و خشنود و پیروز واقعی میدان کارزار است، نه ارباب‌ن‌پرور و کارفرما، که بنده کارگر و زحمتکش است.

فرهنگ رجایی در کتاب اندیشه و اندیشه‌ورزی درباره حمید عنایت چنین می‌نویسد: او اعتقاد داشت که روشنفکران معاصر ایرانی، «خود من هم یکی از آن‌ها هستم»، در وضعیت فعلی (زمان وی) نمی‌توانند در مورد میراث ایرانی/اسلامی خودشان یا در مورد میراث غرب به اجتهاد اهتمام کنند. روایت زیر از داریوش شایگان در مورد متفکر و دانشور فکر، سیدجلال آشتیانی شاهدهی است بر این دعا: یاد می‌آید یک بار از دوستم سیدجلال آشتیانی (که در تهیه متون فلسفی ایران به زبان فرانسه با کربن همکاری می‌کرد) پرسیدم: «چرا خود شما تاریخ فلسفه ایرانی-اسلامی را نمی‌نویسید و مراحل عمده آن و پیوندهایی را که در تکوین اندیشه‌های فلسفی وجود دارند نشان نمی‌دهید؟ نگاهی طولانی به من افکند و سپس نکته‌ای را یادآور شد که در من تأثیر گذاشت: «ترسیم دورنمای کلی اندیشه فلسفی به صورتی که شما می‌خواهید برای من ناممکن است، من روش این پژوهش‌ها را نمی‌شناسم، وجود خود من خلاصه‌ای است از این فلسفه.» اعترافی شجاعانه به ناتوانی که در عین حال نشانه روشن‌نگری وی بود، زیرا آشتیانی ضرورت اجتناب‌ناپذیر چنین تلاش بنیادی را به خوبی درک می‌کرد. توجه شود که آشتیانی تصور می‌کرد که یک دانشور فرانسوی از عهده چنین کاری بهتر خواهد آمد و به همین دلیل پیشنهاد کربن را برای چنان اقدامی پذیرفت و با وی همکاری کرد. پس چه بسا عنایت نیز به دلیل مشابهی نقش خود را در صورت‌برداری از اندیشه به روش توصیف و تا حدودی تحلیل کافی می‌دانست. مثلاً، در مقدمه کتاب سیری در اندیشه سیاسی غرب، که آمیزه‌ای از جریان‌های فکری و گاه اندیشه برخی افراد خاص را ارائه کرده است، چنین می‌نویسد: «روش اساسی کار در این کتاب، بررسی اندیشه‌هاست و نه نقد آن‌ها.» و اما به گمان من، در این بررسی یعنی ارائه تحلیل و توصیف، نگرش فلسفی و فکری جالبی قابل مشاهده است. عنایت رابطه پیچیده بین عوامل و عناصر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یا «زمینه» و بنای فکری (خواه اندیشمند و یا یک واحد تمدنی) یا «متن» را، بر عکس دو مکتب فکری «ایده‌گرایی یا ماده‌گرایی»، که رابطه زمینه و متن را موجبیتی می‌دانند، وضعیت رابطه را کناکتشی، همراه با تنش و برانگیزنده پرسش توصیف می‌کند. نه فقط بخش اول کتاب یاد شده به بحث از زمینه فکری، اجتماعی و تاریخی اختصاص داده شده است، بلکه در سراسر کتاب، کناکتشی اندیشه و عمل حضور مداوم دارد. همین نکته در مورد کتاب بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، نیز صحت دارد که به بیان مؤلف، «عقاید هشت تن از متفکران را که به اتفاق صاحب‌نظران، استاد و مسئله‌آموز این مطلب [فلسفه سیاسی غرب] تا پایان قرن هفدهم میلادی بوده‌اند، پیشنهاد بحث خود کرده‌ام.» وی در توصیف و تحلیل هر یک از این اندیشمندان گفت‌وگوی اندیشه و عمل یا جهان‌های فکری و مادی را از نظر دور نمی‌دارد. در بحث از اندیشه گروهی از اندیشمندان غربی، برای ارائه فکر هر فیلسوف، وقتی از تحولات زندگی آن‌ها بحث می‌کند، از تعامل این دو متغیر و اینکه دنیای مادی چه پرسش‌هایی در ذهن متفکر ایجاد می‌کند و یا چه عبرتی به آن‌ها می‌دهد، غافل نیست.



مروری بر آثار حمید عنایت در مورد فرهنگ و تمدن ایران و اسلام، دو جنبه بسیار پررنگ قابل مشاهده است: صورت‌برداری از وضع قدیم و موجود انسان و تمدن ایرانی/اسلامی، و تشویق احیای نگرش و تفکر بومی ایرانی تا او را قادر کند، نقشی مهم و با حضور فرهنگ بومی داشته باشد. علاوه بر آثار دیگر، کتاب‌های نهادها و اندیشه‌های سیاسی در ایران و اسلام (۱۳۸۵)، سیری در اندیشه سیاسی غرب: از جمله ناپلئون به مصر تا جنگ جهانی دوم (۱۳۶۳)، و اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، از مهم‌ترین آثار تألیفی وی در این زمینه‌اند. صورت‌برداری دیگر عنایت که از اندیشه غرب است در قالب تألیف و ترجمه بود، تا بلکه در ایران بتوانند و مهارت بازیگری در سطح جهانی ایجاد شود. برای صورت‌برداری از غرب می‌توان به‌ویژه به آثار تألیفی وی از جمله بنیاد فلسفه سیاسی در غرب: از هراکلیت تا هابز، و اگر در دسترس بود جلد دوم این اثر که هرگز چاپ نشد، اشاره کرد

در نگارش و نگرش برخوردار بود. این رویکرد درخشان عنایت در کتاب بنیاد فلسفه سیاسی در غرب به وضوح قابل رویت و تبیین است. کتاب بنیاد فلسفه سیاسی در غرب متکفل بررسی عقاید و اندیشه‌های سیاسی غرب از هراکلیت تا هابز است و به صورتی فشرده و مختصر کلیت آرای سیاسی ۹ اندیشمند، دو نحله فلسفی و مسیحیت را مورد توجه قرار داده است. کتاب با آنکه دارای چارچوب و ساختار منطقی بوده، از سلاست روانی و قابلیت فهم خوبی برخوردار است و از پیچیدگی، طمطراق، نقل و ابهام به دور است و رویکردی اعتدالی و آزاداندیشانه بر آن حاکم است ولی همچون سایر آثار بی‌نیاز از نقد و بررسی نیست. موضوع کتاب بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، مباحثی درباره شکل‌گیری بنیان‌های سیاسی و اندیشه‌های سیاسی در تاریخ اروپا است. نگارنده بنیان‌های اندیشه‌های سیاسی در غرب را موضوع بحث قرار داده است و عقاید هشت تن از متفکران را که به اتفاق صاحب‌نظران، استاد و مسئله‌آموز این مطلب تا پایان قرن هفدهم میلادی بوده‌اند، بررسی کرده است. در ابتدای کتاب مباحثی درباره نگرش و فلسفه هراکلیت، افلاطون و ارسطو و زندگی و آثار آن‌ها آمده است. سپس آرای بدن در زمینه مفهوم حاکمیت، اوصاف حاکمیت و فرق سلطنت با استبداد بیان شده است. در ادامه، زندگی و آرای هابز نقد و تحلیل شده است. و در نهایت، تحلیلی کلی از آرای این فیلسوفان و مقایسه با آرای حکمای اسلامی ذکر شده است. همچنین مفهوم «ماکیاول» در این کتاب بررسی شده است. این کتاب در اصل تقریرات درس عنایت تحت عنوان تاریخ عقاید سیاسی است که در دوره کارشناسی دانشکده حقوق آن را تدریس می‌کرد و حمید مصدق که به عنوان دانشجوی داوطلب در کلاس درس او حاضر می‌شد، «با اشتیاق و عطش» آنها را می‌نگاشته است. این نوشته‌ها در پایان ترم تحصیلی به مدت دو هفته توسط استاد تنظیم و بازنویسی شد و تاکنون پنج بار منتشر شده است. بنا به اظهار مقدمه‌نویس کتاب، جلد دوم آن نیز توسط نویسنده به رشته تحریر درآمده است و او آن را برای چاپ در اختیار انتشارات امیرکبیر قرار داده ولی تاکنون «از متن اصلی آن نیز خبری نیست». البته فرهنگ رجایی، یکی دیگر از شاگردان حمید عنایت در جستار بلندی که درباره استادش نوشته است، قولی از عنایت نقل می‌کند که چنین است: «جلد دومش [بنیاد فلسفه سیاسی در غرب] را هم تهیه کرده‌ام. ولی جلد اول هر چند شماره ثبت کتابخانه ملی را هم داشت، دچار ماجرابی شد که مرا از چاپ جلد دوم دلسرد کرد.» به هر حال جلد اول این کتاب مشتمل بر یک مقدمه از حمید مصدق با عنوان خطی چند، مقدمه نویسنده، هشت بهره و کتاب‌نامه است و دربرگیرنده ۲۳۱ صفحه است. سه بهره اول به ترتیب به هراکلیت، افلاطون و ارسطو اختصاص داده شده است، بهره چهارم به بررسی اندیشه سیاسی در غرب از مرگ ارسطو تا تولد ماکیاول می‌پردازد. بهره‌های پنجم و ششم به ترتیب به ماکیاول و بدن اختصاص می‌یابد. نویسنده در بهره هفتم تحت عنوان پیروزی دانش و آزادی به پایان کار اهل مدرسه و انقلاب پارسایان توجه کرده و بهره هشتم را نیز به هابز اختصاص داده است.